



### کاغذهای کتاب علاوه بر بو، صدا هم دارند

یکی از راهکارهای روزمره‌ای که افراد را از بچگی به سمت کتاب جذب می‌کند، مشاهده کتاب در گوشه گوشه خانه و دیدن افرادی است که گاه و بیگاه در حال کتاب خواندن هستند؛ یعنی والدین و فرزندان بزرگتر. نیازی به نمایش یا تظاهر نیست،

همین که باور کنیم راهکار رشد ما و جامعه ما در کتاب خواندن و دنبال کردن درست علایق مان است، کودک این باور را می‌فهمد و در مسیر آن قرار می‌گیرد. اما ممکن است بیرون از خانه و در شرایط مختلفی مثل گرانی کتاب، سرشلوغی و نبود امکان تمرکز چندساعته برای مطالعه یا حتی امکان گرفتن کتاب در دست یا در کیف را نداشته باشیم. همین عصر و جهان ارتباطاتی که گله و غراز پیامدهای منفی آن زیاد است، برای ما امکان‌های زیادی فراهم کرده است. کتاب‌های صوتی گوش بدهیم و گفت و گوهای که درباره کتاب و موضوع مورد علاقه مان است را دنبال کنیم. در مترو وقتی ایستاده‌ایم یا در ماشین شخصی وقتی رانندگی می‌کنیم یا روی موتور وقتی در ترافیک مانده‌ایم، به کتاب و شنیدن علایق مان برگردیم، در واقع به روح مان غذا بدهیم. روحی گرسنه و سیری ناپذیر که هرچه می‌داند و می‌فهمد و جلوتر می‌رود، بیشتر کنجکاو می‌شود. یاد گفته یکی از صاحب‌نظران افتادم که می‌گفت آدم‌ها را دو چیز می‌سازد، «کتاب‌هایی که در طول زندگی خود مطالعه کرده‌اند و آدم‌هایی که در طول زندگی خود دیده‌اند.»

دقیق و درست و غیره.

نیازی نیست به معکوس یکی از اینها فکر کنید، خیلی‌ها متأسفانه در همین وضع معکوس هستند و در حالی که اثرگذاری و اثرپذیری منفی از خود و جامعه دارند، زندگی را به پایان می‌برند. ما همه در حال تغذیه از هم هستیم و مجموع ما جامعه‌ای می‌شود که می‌توان نام آن را شکوفاشده و پیشرفته نامید یا سرخورده و همچنان در مسیر. ماده اولیه این تغذیه از کتاب‌های مورد علاقه هر کدام از ما تشکیل می‌شود. اگرچه فکری کنیم دیرشده و انرژی و انگیزه سال‌های

گذشته را نداریم، اما شاید این مشاهده‌گری و چند پیراهن بیشتر پاره کردن و پختگی نسبی، کمک کند که چندسالی را که دیر شروع کرده‌ایم، جبران کنیم. به کتاب‌ها برگردیم. هیچ چیز اندازه کتاب و کتاب خواندن تکلیف ما را با خودمان، علایق مان، هویت مان و آن چیزی که واقعاً می‌خواهیم باشیم، روشن نمی‌کند. در کنار اینکه خودمان به کتاب‌ها با موضوع گمشده مورد علاقه مان برمی‌گردیم به فرزند دختر و پسر خودمان نیز اجازه بدهیم انتخاب کنند که زمان، هزینه و عمر و تجربه رفته ما برای آنها تکرار نشود.



دکتر و بازاری و رسانه‌ای و مهندس و معمار شده‌ایم که پول و موقعیت و شغل و علم داریم، اما دل سردیم. در حالی که می‌شد همه اینها را هم داشته باشیم، اما دل سرد نباشیم



در کنار اینکه خودمان به کتاب‌ها با موضوع گمشده مورد علاقه مان برمی‌گردیم به فرزند دختر و پسر خودمان اجازه بدهیم انتخاب کنند که زمان، هزینه و عمر و تجربه رفته ما برای آنها تکرار نشود